

پرسش ۹۷: عبادت آزادگان و ترس از آتش!

سؤال / ۹۷: عبادة يحيى (عليه السلام) الخائف من النار كما ورد في الروايات عنهم (عليهم السلام) كيف تناسب عبادة الأحرار؟

عبادت يحيى (عليه السلام) که طبق روایات وارد شده از معصومین به خاطر ترس از آتش بوده است، چطور با عبادت آزادگان تناسب دارد؟

الجواب: عبادة الأحرار لا تعني أنهم لا يخافون من نار الله و غضب الله، ولا يرجون جنة الله و ثواب الله. فالذي يعبد الله حباً و شوقاً و شكراً أو حمداً، كيف لا يخاف الله سبحانه و تعالى، وهو عبد و حقيقة عبوديته تشوبه بالظلمة و العدم، وهي الأنا التي لا تفارقه، وهي ذنبه الملازم له، ما تقدم من ذنبك و ما تأخر، فكيف لا يخاف الله وهو مذنب مقصر؟ (وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا) [370].

پاسخ: عبادت آزادگان، به این معنا نیست که آنها از آتش خدا و از خشم خدا نمی‌هراسند و به بهشت خدا و ثواب الهی امید ندارند. کسی که خداوند را از روی عشق، شوق و سپاس‌گزاری یا ستایش عبادت می‌کند، چطور ممکن است از خداوند سبحان و متعال نترسد در حالی که او عبد است و حقیقت عبودیت او با ظلمت و عدم یعنی همان منیّتی که از او جدا نیست آمیخته است و این گناه او است که همواره ملازم و همراهش می‌باشد: (گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد). پس چگونه از خدا نترسد و حال آنکه او گنه‌کار تقصیرکار می‌باشد؟ (و اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی‌بود، هیچ یک از شما هرگز روی پاک‌ی نمی‌دید).

[371]

هذا إذا لم يكن للعبد ذنب و معصية و كان العبد معصوماً من الزلل فحقه أن ترتعد فرائضه خوفاً من الله، فكيف بالعصاة الجناة!!

این در صورتی است که بنده، گناه و معصیتی نداشته باشد و بنده از لغزش‌ها معصوم و در امان باشد، که در این صورت شایسته‌ی او است که از ترس خدا اندامش به لرزه درآفتد، چه برسد به معصیت کاران جنایت‌کار!

أما عطاء الله وجنته وثوابه فكيف لا يرجوها من أحبه فمن أحب الله أحب عطاءه وأحب كل نعمة تفد عليه من الله، لا لأنه يتمتع بها بل لأنها من عطايا حبيبه سبحانه وتعالى، وقد ورد في الحديث القدسي ما معناه: (يا بن عمران، ادعني لشسع نعلك، و علف دابتك، وملح عجینك) ([372]).

اما چطور ممکن است کسی که خدا را دوست می‌دارد، به عطا‌ی خداوند و بهشت و ثواب او امید نداشته باشد. کسی که خدا را دوست بدارد عطا و بخشش او را دوست می‌دارد و هر نعمتی که از جانب خداوند بر او ارزانی شود را نیز دوست می‌دارد؛ نه به این خاطر که از آن بهره‌مند شده، لذت می‌برد بلکه از آن رو که از عطایا و بخشش‌های حیبش خداوند سبحان و متعال می‌باشد. در حدیث قدسی به این معنا آمده است که: (ای پسر عمران! برای بند کفشت و علف چهارپایت و نمک خمیرت نیز مرا بخوان). ([373])



[370] - النور : 21.

[371] - نور: 21.

[372] - بحار الأنوار : ج 90 ص 303 ، تفسير الرازي : ج 1 ص 234.

[373] - بحار الانوار: ج 90 ص 303؛ تفسير رازی: ج 1 ص 234.